

وقایع نگاری کشورهای خارجی

سال ۵	شماره ۳	ص ۱۱ و ۱۲
سال ۵	شماره ۶۱	ص ۵ و ۶
سال ۵	شماره ۶۲	ص ۸ و ۹
سال ۷	شماره ۶	ص ۱۵ روس و نمسه
سال ۷	شماره ۱۲	ص ۲ و ۳ روس و انگلیس
سال ۷	شماره ۱۳	ص ۱۳ و ۱۴ روس و افغانستان
سال ۷	شماره ۱۴	ص ۶ ژاپون و کوریا

ژاپون و کوریا

یا پای شقاوت را بر تارک شیطان نه
یا گوی سعادت را بر چرخ معظم زن
یا خازن جنت شو، گل‌های بهشتی بوی
یا مالک دوزخ شو، درهای جهنم زن.



استقلال «کوریا» متزلزل گردید، حریت او مضمحل شد. این مملکت وسیعه و نفوس جسیمه که بالغ بر پانزده ملیونست طوق عبودیت و حبل اسارت و رقیّت ژاپون را به گردن گرفت! و امپراطور «کوریا» راضی شد که اداره نظمیه جمیع بلادش را به ژاپون بدهد و داد، چنانچه وزیر جنگ ژاپون جنرال «تروژی» از توکیا پایتخت ژاپون حرکت به سیول پایتخت کوریا نمود که مقررات خود را اجرا بدارد. این مقدمه الحیش اضمحلال سلطنت و مهو استقلال دولت کوریا است.

ما در واقع باید از این دو امر یک را اختیار نمائیم یا خدای نخواستہ شرف دودمان کیان را منضم به قدمت دولت ده هزار ساله و ابهت و اجلال گذشته نموده و بر طبق بی غیرتی گذارده، پیشنهاد متجاوزین جسور کرده، آماده اسارت ابدی و رقیّت دائمی شویم و نام استقلال مملکت خود را از دنیا براندازیم!

یا آن که باید با یک فعالیت مجدانه و عزم غیرت ریزانه احساسات انسانیت و قواعد مدنیت را معمول داشته، مردانه از نایب السلطنه و رئیس الوزرا و وزرا و وکلا تا افراد ملت ایرانیه در حفظ استقلال وطن عزیز و حریت خدا داده بکوشیم، والا ممکن نیست به مثل معروف یا یک دست دو هندوانه برداریم.

اگر اغراض شخصیه و منافع نفسیه و ریاست طلبی و رقابت و هم چشمی و رشوه خواری و شهرت طلبی را کنار گذاشته، ذره ای انصاف و خردلی وجدان را منظور آریم و آتیه اعقاب خود را مسعود و استقبال وطن را سعید می خواهیم ژاپون ثانی خواهیم شد و پای سعادت را بر فرق فرقدان خواهیم گذاشت - و اگر به همین وضع ناهنجار و حرکات ناگفتار حرکت کنیم آه. آه به أسفل السافلین رقیّت و ذلت خواهیم شنافت و استقلال دولت و حریت ملت را وداع خواهیم گفت و هم قطار کوریا خواهیم شد (انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً).

روس و افغان

به تازه گی روسها در ساحل رود جیحون به جهت کشیدن پلی اسباب و آلات پل سازی حاضر می نمایند. افغانان چون خبردار می شوند خبر می دهند که ما راضی نمی شویم. که پل بسازید و در خاک و آب ما تصرفی ننمائید. روسها گوش نداده اسباب



کار را فراهم می‌آورند که روز بعد مشغول شوند. افغانان شب خود را به وسیله مشگ باد کرده به محلی که روس‌ها بوده می‌رسانند هشت نفر روس و یک نفر صاحب منصب روسی با یک نفر مهندس را با تمامی سنگ و آلات و آهن پل سازی در جیحون می‌ریزند و تمامی را نابود می‌کنند.

روس به واسطه حکومت خود در سمرقند به امیر افغان اعتراض می‌نماید. افغان جواب می‌گوید اولاً من اطلاعی ندارم و از صدق و کذب این مطلب مطلع نیستم دویماً روس به اذن و اجازه که می‌خواسته در آب و خاک دیگری تصرف کند؟ ولو سرحد بوده و باشتراک بوده. سیمماً تا یک نفر افغانی زنده است محال است بگذارد یک نفر غیره در وطن آن‌ها پا بگذارد و نامشروعانه حرکتی نماید.

روس از شنیدن این جواب سخت اعتراض می‌نماید و غرامت می‌طلبد و جزای مرتکبین را خواستگار می‌شود. افغان جواب می‌گوید که دولت روس نه گمان کند که ما پا بند به معاهده و حمایت انگلیز هستیم. اگر دولت روس زخمی که از دولت ژاپون خورده بهبودی حاصل کرده و قوه حرکت دارد ما حاضریم که با کمال قوه و جانفشانی در راه وطن جنگ ژاپون را تجدید کنیم. روس از شنیدن این جواب سر خود گرفته از خون بهای ده نفر روسی و آلات پل سازی می‌گذرد.

بلی ملایمت و سکونت ابداً به خرج این دولت وحشی که اساسش بر خشونت و تجاوز است نمی‌رود. ایرانیان راست که از افغان که آن هم همسایه روس است در معامله‌ها سرمشق گیرد و به هر چه زودتر است از این همه ایلات و عشایر شجاع دلیر ایران قشون مرتب نماید که جواب روس و انگلیز داده نمی‌شود مگر به نظام قشون ایران.

روس و انگلیز

دولتین روس و انگلیز به واسطه سفرای خودشان دو ماه است است به دولت ایران کتباً و شفاهاً گفته‌اند که ما از منافع تجارته دول دیگر در ایران مانع نیستیم، ولی راضی نمی‌شویم که به کسی از خارجه امتیازاتی داده شود که برخلاف منافع پلتیکی و منظورات نظامی باشد، پس لازم است که دولت ایران متعهد بشود که قبل از دادن امتیازات به خارجه اول با دولتین مشاوره نماید و مکرر در این باب از برای تحصیل جواب مساعد اصرار کرده‌اند.



از قراری که به اداره مرکز اتحاد و ترقی خبر رسیده اولیای دولت علیه هم مراتب را به بعضی از سفرای خود در خارجه اعلان کرده و رأی آن‌ها را خواسته است. سفارت پاریس در ضمن شرحی، که البته هر ذیعقلی تصور خواهد کرد، جواب داده است که موافق قوانین اساسیه مشروطه در این نوع مسائل بسیار غامض راجع به استقلال مملکت هیچ وزیر و هیچ هیئت وزرائی به هیچ وجه حق مذاکره و جواب مساعد به خارجه ندارد مگر به اطلاع و اجازه مجلس مقدس ملی. و اگر این جواب سفر را ساکت نکرد و رجوع به مجلس را خواستگار شده و خواهند گفت که باید به ملت بشود (یعنی وکلا به وطن خود برگشته و افراد ملت را از کم و کیف این مسئله مطلع بسازند که ملت وکلای جدید را موافق میل و سلیقه خود در این باب تعیین کرده و به طهران بفرستند تا مجلس جمع شده و رأی خود را بدهد).

خبرنگار مخصوص و بسیار موثق ما از لندن خبر می‌دهد که ممتازالسلطنه در ضمن یک ساعت و نیم صحبت که با وزیر امور خارجه انگلیز در لندن کرده است به تمام مسائل دست زده و خوب از عهده برآمده و عقاید وزیر امور خارجه را خیلی مساعد کرده است، از جمله در همین مسئله امتیازات ...

حالا لازم است که جراید داخله از وزارت امور خارجه طهران محرمانه چگونگی امر و اطلاعات لازمه را در باب تلگرافات و راپورت‌های آقای ممتازالسلطنه راجع به صحبت‌های خود با وزیر امور خارجه انگلیز خواستگار بشوند و آن‌ها را با کمال احتیاط کم‌کم مبنای تحریرات خودشان قرار بدهند.

در خارجه در فرانسه و انگلیز مخصوصاً عقاید سیاسیون بر این است که نتیجه سفارت ممتازالسلطنه به لندن و مذاکرات مفصله او با دولت انگلیز این شده که ورق پلتیک انگلیز در ایران برگشته به شرط آن‌که در تصمیم امر موافق تدابیری که شده است در طهران کار نکنند و در ملاحظه و اجرای پاره‌ای نکات تکاهل نمایند و تعاقب در امور را قدری عادت بکنند.

روس و نمسه

هنوز تجدید اتحادد ظاهری روس با نمسه امتدادی کاملاً پیدا نکرده بود که در داخله خاک سرحدی روسیه یک از سرهنگان جنگی نمسه با لباس مبدل و اوراق نقشه‌کشی و



خریطة‌های متعدده گرفتار آمد و افکار درباریان روس را از اتحاد ظاهرسازی و دوستی دو رنگی نمسه پریشان ساخت. مسلم است هر دولتی که مطلقه و خودسر و در تحت اوامر خود سرانه یک نفر باشد ولو مقننه و صاحب اراضی واسع و نفوس کثیره و قوای حربیه باشد، همسایه‌گانش به نظر زوال و دیده اضمحلال به او می‌نگرند و برای تقسیم ممالک و مستعمرات او نقشه‌ها می‌کشند و همیشه انتظار وقت و اقتضای زمان را دارند که هر زمان در داخله آن مملکت فته و آشوبی ظهور کند، آن‌ها به اسامی مختلف (من درآورد) شروع به تجاوز و احتلال نمایند و منطقه‌ای که قبل از وقت نقشه او را کشیده دارند تصرف نمایند.

چنانچه دولت نمسه به آن قلت ملک و نفوس نسبت به مملکت و نفوس روسیه در این اندیشه بوده و محقق است که سایر همجواران روسیه بل دول اروپا در این خیال نمسه برای آینده ممالک روسیه یک فکر و یک خیالند و منتظر بزرگ انقلاب آتیه روسیه‌را دارند که این شکار جسیم را هر یک به قدره قوه و زور خود بلع نمایند.

مصر و قائمه متبرعین

[درباره کمک مالی به مردم تبریز]

چندان که فکر کردم و اندیشه، راه برد اعمال خیر حاصل ایام آدمی است. چنانچه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید (تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان). ما مجملاً در شماره گذشته از اعانه دهنده و فرستادنده اشاره کردیم از اتفاقات حسنه غیر منتظره که کمتر وقتی اجتماع کلیه ایرانیان در یک مجلس واقع می‌شود، مجلس شب ۲۲ رمضان ۱۳۲۶ که خاص رأس سنوی مرحمت مآب حاج میرزا فضل‌الله بک طاب‌ثراه بود، می‌بود، که عموم ایرانیان مصر برحسب دعوت یگانه آزاد مرد آقای میرزا محمدعلی بیگ الحسینی تاجر شیرازی در آن مجلس شرکت داشتند، گمنام هم با نفاقت مزاج که بر همه روشن بود محض تذکار اعانه حاضر شدم. پس از صرف افطار جناب مدیر جریده حکمت ورقه قرائت کردند که جواب تلگراف ایرانیان از میرزا نجف اشرف و راجع به اعمال شاه و حرکت حجج اسلام از نجف اشرف به طرف ایران بود. نگارنده گفتم متمم این تلگراف که فرع زیاده بر اصل، و مقصود اعانه مرحمت نمودن حاضرین



به منکوبین تبریز است، اگر بفرمائید خوف توهین نخواهد رفت. فرمودند هر کس بنا بر تکلیف خود باید عمل کند، سپس نگارنده شرحی مهیج از حرکات جان‌بازانه آذربایجان در راه استرداد مشروطه و تلفیات مالی و جانی آن سامان و بذل غیرت و جوان مردی حاضرین درباره اعانه به آن‌ها اظهار داشتیم و جناب مستنصر السلطنه قونسول جنرال اسبق مصر که سیادت با کیاست دارا و اعظم رجال با سیاسی شرق شناخته می‌شوند، مؤید شده و برای دادن اعانه خود به جناب یگانه غیور فرزانه حاج آقا بزرگ صاحب تاجر شیرازی مهیا ساخته، قلم و کاغذ طلب کردند و به اکتتاب پرداختند. نگارنده با جناب مدیر جریده حکمت به تسوید اسامی حاضرین متبرعین این مشروع مقدس قیام نمودیم، پس از اتمام اسامی حاضرین، ورقه اسامی را برای دریافتی وجوهات بریه به جناب حاج محمدصادق یزدی داده که قبول زحمت و افتخار این خدمت را نائل شوند و وجوهات را دریافت دارند و به جناب مستنصر السلطنه برسانند. الحق حاج محمد صادق کمال مساعدت را در استحصال وجوه متبرعین نموده خدایش اجر جزیل دهد تا آن که شش روز گذشته دویست و چهل پوند انگلیسی که تقریباً به پول ایران (هزار دویست و چهل تومان) است جمع شده، جناب مستنصر السلطنه تلگرافاً توسط بانک شاهنشاهی در تبریز به جناب ستارخان سالار و سرکرده مجاهدین آذربایجان این فقره را رسانیدند.

اسامی متبرعین

مقدار پول به لیره انگلیسی، بعد از القاب:

۵۰	آقای مستنصر السلطنه جنرال قونسول اسبق مصر
۵۰	آقا میرزا محمدعلی بیک تاجر شیرازی
۳۰	حاج آقا بزرگ تاجر شیرازی
۲۰	حاج میرزا عبدالجواد مشکی تاجر اصفهانی
۲۰	حاج محمد عزیز تاجر هراتی
۱۰	حاج عبدالکریم تاجر کازرونی
۱۰	حاج میرزا علی اکبر تاجر شیرازی
۱۰	آغلامحسین تاجر کازرانی



۱۰	آعبدالجواد تاجر کازرونی
۵	آقای میرزا محمدعلی بیک تاجر شیرازی از طرف اعضاء مدرسه ایرانیان ۵ لیره
۵	حاج میرزا محمدجعفر تاجر اصفهانی
۵	حاج حسن تبریزی و بیس قونسل طنطا
دو لیره و نیم مصری	آعبد الغفار تاجر تبریزی
۲ لیره	حاج اسدالله تاجر اصفهانی
۲	آ اسماعیل علی تاجر قزوینی
۲	انطون بک ترجمان جنرالیه
۱	آعبد الرسول تاجر شیرازی
۱	حاج حسین تاجر شکونی
۱	حسن بک تاجر طهرانی
۱	محمدعلی قنادی تبریزی
نیم لیره مصری	حاج ملا صادق تاجر تبریزی
نیم لیره	حاج محمدعلی تاجر یزدی
نیم	آکاظم تاجر بغدادی
نیم	حاج هادی طباح
۲۰ غروش	آقا شیخ ابوتراب روضه خوان خراسانی مطالعات فرنگی
	آقا محمدرضا تاجر قزوینی وکیل مرکزی اداره چهره‌نما
	در مصر

بقیه قائمه متبرعین مصر

در شماره گذشته شرح مجلس و اسامی متبرعین که درباره اراذل و ایتام و حفظ نوامیس وطن عزیز بذل مکرمتی کرده‌اند نگاشتیم، اینک باز کسانی که اعانه کرده‌اند می‌نگاریم. مقدار پول به لیره انگلیسی بعد از القاب

اسامی	پول لیره
حاج صفرآقا کاشانی مقیم منصوریه	۵ لیره



۱	حاج محمد حسین دهدشتی
۱	حاج حسین تبریزی
۱	حاج عبدالکریم قنادی اصفهانی
۱	سید محمد نظام تاجر شامی
۱ لیره	حاج شکرالله قناد اصفهانی
۵۰ غروش صاغ	آحسن عبدالکریم قناد
۵۰	آمیرزا حسین کهربا فروش یزدی
۴۰	آعبدالعزیز قاسم ایروانی
۲۰	حاج کاظم طباخ طهرانی
۲۰	آمحمد رضا یزدی
۲۰	حاج تقی رشتی
۱۰	میرزا عبدالحسین طباطبائی
۱۰	حاج عبدالرحیم بروجردی
۵ غروش صاغ	آقا قاسم اسکونی
۱۲ لیره انگلیسی	بقیه دارد
۳۰ غروش	
جمع شماره پیش	
۲۴۱ لیره	
۳۵ غروش	
جمع کل	
۲۵۳ لیره انگلیسی	
۶۵ غروش مصری	

در جمع شماره پیش بیست و پنج غروش علاوه شد که جناب آغلامحسین تاجر کازرونی به پول مصری مرحمت کرده بودند و ما به پول انگلیسی نگاشته بودیم.



تصحیح: در شماره گذشته در ذیل اسامی متبرعین ده غروش به اسم حسین صادق مصری نوشته شده سهو است، به اسم حسین صادق البحریمی طباع مطبوعه جریده فریده حکمت است.

مصر قاهره

این اوقات به واسطه بروز گرما و حرارت هوا اغلب پاشاوات و بزرگان مصر رهسپار اروپا شده‌اند و والا حضرت خدیو مصر که چند روز قبل به طرف اسلامبول حرکت کرده بودند خیر ورودشان ازویانه پای‌تخت اطیش رسید. به حمدالله کلیه قطر مصر از وبای بشری و طاعون بقری و امراض مختلفه پاک و امورات اهالی در تحت نظام و امنیت جاری است. قونسل جنرال ایران تاکنون ورود به مصر نکرده و خبری هم از ایشان نیست که در کجایند و سبب طول ورود چیست، اما امورات ایرانیان در نهایت خوبی و سرپرستی واقعی چند نفر از بزرگان و کارآگاهان می‌گذرد. روز ۱۲ انجمن خیریه ایرانیان در تکیه‌الحمزاوی در تحت ریاست فائقه یگانه آزاد مرد ملت دوست جناب حاج آقا بزرگ تاجر شیرازی که امروز سمت پدری و سروری به قاطبه ایرانیان این سامان دارند منعقد گردید. مقدم به جای یک [یکی] از اعضاء انجمن که مرحمت مآب حاج میرزا علی‌اکبر تاجر اصفهانی بود و به رحمت ایزدی پیوسته کهین برادر ایشان حاج میرزا محمدجعفر تاجر اصفهانی به اکثریت آن به جای ایشان منصوب و انجمنیان مشارالیه را تبریک گفتند. سپس به تفریق محاسبات سنوات گذشته پرداخته و مقرر شد که از ماه جمادی حالیه حسب الحواله جناب ریاست پناهی آقای حاج آقا بزرگ تاجر شیرازی جناب حاج میرزا عبدالجواد مشکی تاجر اصفهانی امین صندوق خیریه ایرانیان مستحقین را کامیاب بفرمایند و متبرعین عمده که جناب ریاست پناهی آقای حاج آقا بزرگ صاحب و امین صندوق خیریه جناب حاج میرزا عبدالجواد مشکی و جناب آقای میرزا محمدعلی بک الحسینی تاجر شیرازی هستند تبرع مستمری را به صندوق رسانند و کسان جزو هم به توسط حاج میرزا جعفر تاجر اصفهانی اعانه خود را برسانند. و قرار شد هر از دو ماه یک بار مجلس منعقد و به کارهای خیریه ملی رسیدگی و قبل از پنج روز همیشه جناب زعیم الدوله سکرتر انجمن با انجمنیان لایحه به فرستند. چند روز است جناب



فاضل نحیر و معلم خبیر آقا سیدحسن معلم مدرسه خیریه ایرانیان ورود و اشتغال بدین خدمت سراسر شرافت دارند. رجماندیم در ظل سعادت مدل آمال ملت خواهانه جناب حاج آقا بزرگ صاحب و مجاهدات وطن خواهانه یگانه غیور فرزانه آقای میرزا محمدعلی بیک تاجر شیرازی و تعلیمات عالمانه آقا سید حسن عماقرب ملت ایرانیه، بین الملل در مصر سربلند و سرافراز و گوی نیک نامی از سایر امم موجوده مختلفه مصر برابند و به آموختن زبان ملی رشته قومیت خود را امتداد بدهند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

